

فاطمه فریدن\*

## ترجمانی از عاشقانه‌های کهن

فیلم رمانتیکسم عماد و طوبا بنا را بر حل مسئله در روایتی عاشقانه می‌گذارد. اگرچه چاشنی روایت فیلم تصاویری انتزاعی و خیالی است اما کاوه صباغ‌زاده همانند اثر قبلی‌اش ایتالیا ایتالیا می‌کوشد سایه خیال را این بار نیز در سراسر فیلمش گسترش دهد. این فیلم که به نظر می‌رسد زاویه دیگری از نوع روایتی عاشقانه در بستر زندگی زوج‌های جوان را انتخاب کرده با اختلاف از فیلم پیشین کارگردان، معضلات جاری در زندگی زوجی از طبقه متوسط و روشن‌اندیش جامعه را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

هم‌زمان، خط ساده داستانی و در هم آمیخته در انتزاعات که از شاخصه‌های گونه کمدی رمانتیک بوده و نیز خیالات نمایشی شده افراد در هم‌پوشانی واقعیت زندگی را عیان می‌کند، درحقیقت مسئله بنیادین فیلم است که به صورت لایه‌هایی در فرامتن قضیه انتشار می‌یابد. به عبارت دیگر چگونه زندگی کردن و نحوه زیست زوج‌هایی که کار و هنرشان در درجه اولویت قرار دارد در کنار تشکیل و اداره یک زندگی که دشواری‌های متعددی را هر روز مقابل روی آنان قرار می‌دهد، بن‌مایه اصلی فیلم است که برای از میان بردن تلخی‌هایش، روایت‌گر فیلم تلاش می‌کند به واسطه تصویرگری خیالی، اندکی از تلخکامی آن بکاهد. بر این اساس، شدت خیال‌انگیزی در دو کاراکتر عماد (حسام محمودی فرید) و طوبا (الناز حبیبی) که هنرمندانی وفادار و متعهد به حرفه خود هستند، به وضوح قابل رؤیت است. عماد فیلمساز، وسواس و دغدغه‌هایی برای انجام پروژه‌هایی که سال‌ها برایش رنج‌زایی را متحمل شده دارد و طوبا نیز که طی مدت زمانی به بازیگر محبوبی در تئاتر تبدیل شده، گزینه‌های مادری و عواطف انسانی‌اش را برای حفظ توأمان زندگی مشترک به فرزندانش ابراز می‌کند. در این میان اختلافاتی بر حسب اتفاقات کوچک یا پراهمیت میان‌شان ایجاد می‌شود که به طور موقت نظم طبیعی زندگی‌شان را به بی‌نظمی و ناهنجاری‌های آبی تبدیل می‌کند. عماد به خاطر ساخت اولین فیلمش مشکلات بسیاری را تحمل می‌کند و طوبا نیز به خاطر پرورش فرزندانش درخواست‌های کاری‌اش را اغلب رد می‌کند. زیستن در چنین وضعیت‌هایی طبیعتاً برای افراد آسان نیست و حضور یک راه‌زن، بلد را طلب می‌کند. بنابراین شخصیتی خلق می‌شود که تجربه‌های خوش و تلخ زندگی‌اش بتواند راهگشای دو کاراکتر محوری فیلم شود تا شاید به وسیله آن تغییراتی مفید در زندگی‌شان حاصل کنند.

حضور پدر در این وضعیت قطعاً کاتالیزوری است برای راهنمایی کردن فرزندی که گاهی از کوره در می‌رود و به سبب خشم، مسیر جدایی از یکدیگر را پیش می‌گیرند. کاراکتر پدر در جبران فقدان حضور مادر هرچند به اندازه اندک اما پناهگاهی برای طوبا است و حتی عماد که پدر و مادرش را از دست داده و بدون وجود فیزیکی آنان تا همین مرحله از عمر خویش را طی کرده است. با وجود آن پدر هرگز در زندگی خصوصی این دو نفر دخالتی مستقیم ندارد و خانه‌اش در جنگلی دور از فضای شهر صرفاً مأمّن و تکیه‌گذاری برای پناه دادن فرزندانش است. کاراکتر پدر درحقیقت تداعی تصویری از گذشته‌های نه‌چندان دور اما واقعی از زندگی طبیعی است.

طبق چنین دیدگاهی، کل فیلم تصویری است از جهد بی‌پایان دو کاراکتر برای ننگ داشتن تعادل بین خواسته‌های فردی و خودخواهانه و حضور در اجتماعی که تغییراتش لحظه‌ای و به‌روز است. از این منظر، گزینش میان آن‌چه یک انسان بر حسب منویات روحی خود طلب کرده و چیزهایی که همواره همچون مانعی در مسیر زندگی‌اش قد علم می‌کند، چندان آسان به نظر نمی‌رسد. در چنین موقعیتی، چالش مهم برای کاراکترها، گره‌های دراماتیکی است که بی‌وقفه خلق می‌شوند و شخصیت‌ها باید برای برطرف شدن آن در مسیری ناهموار کوشش کنند.

مسائل مختلف اجتماعی که عموماً جزء لاینفک و جدایی ناپذیر از زندگی جوانان امروزی است، در این فیلم حد فاصل واقعیت و خیال مطرح می‌شوند. از جهت دیگر این شیوه‌ای شخصی و جالب‌توجه در شیوه پردازش داستان در دل روایتی است که می‌توانست در حوزه آثار اجتماعی و قالب‌های خانوادگی به سیاه‌ترین

شکل ممکن پرداخت شود. اما کارگردان نهایت تلاش خود را برای ایجاد فاصله میان نمایش زیستن انسان و زنج‌های بدبخت و رسیدن به راه و حل و زنج‌هایی برای درمان مشکلات انجام می‌دهد. هرچند در قیاس با فیلم قبلی، رمانتیسم عماد و طوبا به لحاظ کیفی اثری متوسط است اما فرم روایت به هر شکل ممکن روشی خصوصی و منتخب از سوی کارگردان برای بیان ذهنیاتش است. به این تعبیر که روایت و زنج‌کننده فیلم می‌کوشد جهت‌گریز از کلیشه و روش و زنج‌های مرسوم انتقال پیام مثل نصیحت‌گویی صرف، حرف اصلی خود را به واسطه خلق تصاویری متفاوت بیان کند.

در حاشیه این موضوع نیز باید متذکر شد که ژانر کمدی رمانتیک در ایران به دلیل فقدان توجه به آثار تولیدی در این بخش و عدم آشنایی تماشاگران با این گونه سینمایی به گونه و زنج‌ای ناشناخته تبدیل شده است. همین مورد نیز سبب شده که غالب بینندگان طرح مسائل انسانی و اخلاقی در چنین ژانری را غالباً عجیب و غریب تلقی کنند. در عین و زنج‌حال سوپه مثبت پرداختن در این گونه، فاصله گرفتن از تکرار و آشنا شدن مخاطب با طراحی داستان و خلق روایت در فضایی دلنشین و خلاقانه است.

منتقد سینما